



دانشگاه تهران (پردیس فارابی)

دانشکده حقوق

تحلیل فقهی مصوبه هیأت دولت در خصوص قراردادهای جدید نفتی (IPC)

نگارنده:

محمدعلی توسلی نژاد

استاد راهنما:

جناب دکتر سید علی محمد یثربی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق خصوصی

شهریور ماه ۱۳۹۶



پردیس فارابی دانشگاه تهران

شماره:
تاریخ:
پرست:

بنام خدا
صور تجلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد
دانشکده حقوق پردیس فارابی

با عنایت به آئین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دوره شبانه ، جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای محمد علی توسلی نژاد به شماره دانشجویی ۲۲۰۲۸۹۰۲۰ در رشته حقوق خصوصی تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۹ در محل پردیس با عنوان:

«تحلیل فقهی و مصوبه هیئت دولت در خصوص قراردادهای جدید نفتی»

با حضور هیات داوران تشکیل شد و بر اساس کیفیت پایان نامه، ارائه دفاعیه و نحوه پاسخ به سوالات،

رای نهایی به شرح ذیل اعلام گردید:

☐ پایان نامه مورد قبول نمی باشد. ☐ پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می باشد. ☒ پایان نامه مورد قبول می باشد.

نمره نهایی پایان نامه: ۳۲٫۶۰
تعداد واحد پایان نامه: ۴
درجه پایان نامه: عالی

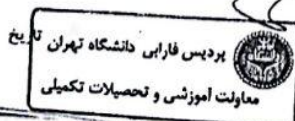
ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما:	دکتر سید علیمحمد یثربی	دانشیار	پردیس فارابی	
۲	استاد داور:	دکتر محمود رضا فیروزمند	استادیار	دانشگاه صنعت نفت	
۳	استاد داور و ن.ت.ت	دکتر علیمحمد حکیمیان	استادیار	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی پردیس

رئیس دانشکده حقوق

دکتر مهدی ذاکری
امضاء

دکتر احمد حاجی ده آبادی
امضاء
تاریخ



کد پستی: ۳۷۱۸۱۱۷۴۶۱ صندوق پستی: ۲۵۷

Website: <http://farabi.ut.ac.ir> Email: farabi@ut.ac.ir

تلفن: ۰۲۵-۳۶۱۶۶۱۰۰ فکس: ۰۲۵-۳۶۴۴۴۰۸۱

نشانی: قم - ابتدای جاده قدیم تهران - بعد از پل سافری - پردیس فارابی دانشگاه تهران

تاریخ
شماره
پست

جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران



باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب محمدعلی بنی‌شیرازی متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو محمدعلی بنی‌شیرازی

امضاء و تاریخ

۱۱/۹/۹۷

تقدیم به آنانکه

نه میشود نوشتشان و نه میتوان سرودشان مردان صادقی که بر پیمان خود جان نهادند و جانان ستاندند.

مشهد پاکشان ساحل رهایی و مشعل جانسان چراغ هدایت است.

قلم هرچه قد کشد، تا به قامتشان رسد خمیده است.

زبان هرچه فریاد کند، تا وصفشان کند بریده است.

خیال هرچه دست و پا زند، تا به کویشان رسد غرق خیال گشته است.

جمال هرچه کند، تا به رنگشان شود ز نفس فتاده است.

قصه هرچه دراز شود، تا که به پایان رسد عمر گذشته است.

مگر خورشید معرفت بتابد تا حجاب از روی ماهشان بردارد.

و تقدیم به آنانکه

بر فرات عشق دستشان برید، اما دست از عقیده بر نداشتند.

پایشان بر روی مین جا ماند، اما علمشان بر زمین نماند.

ترکش استخوانشان را شکست ، نخائشان را برید، اما ریسمان ایمانشان نبرید.

زهر خردل رمق از نایشان گرفت، اما رسم جانبازی شرف از نامشان گرفت.

و تقدیم به آنانکه

تابشان اسارت را بی تاب کرد، صبرشان غرور تازیانه را شکست، درد را درمانده، رنج را رنجور، شکنجه را

خسته و قفس را آبادتر از آزادی نمودند

اسیرانی که آزادی در پناه اسارتشان زنده ماند.

تشکر و قدردانی

از خانواده و به ویژه همسر- فداکارم که از ابتداء تا به حال برای رسیدن من به موفقیت در زندگی تلاش‌های فراوانی را بزرگوارانه مبذول داشته‌اند، صمیمانه سپاس‌گذارم و قدردان مهربانی‌های بی حد و حسابشان هستم.

همچنین از اساتید گرانقدر پردیس فارابی دانشگاه تهران به ویژه جناب آقای حجت الاسلام دکتر سید علی محمد یثربی که زحمت راهنمایی این پژوهش را نموده‌اند و همچنین سایر اساتید نهایت تشکر و سپاس‌گذاری را داشته و از خداوند منان طلب طول عمر با عزت و اجر اخروی را برایشان دارم.

همچنین از کارمندان گرامی پردیس فارابی دانشگاه تهران که بزرگوارانه خدمت‌گذار دانشجویان هستند، نهایت سپاس و تشکر را دارم.

چکیده

از منظر پژوهش حاضر، قراردادهای جدید نفتی ایران موسوم به قراردادهای IranianPetroleumContract (IPC)، نوع جدید و نسل چهارم قراردادهای بیع متقابل ایران (Buy back) می‌باشد. بر این اساس، هرچند در زمینه‌ی انتقال فناوری به داخل کشور، مدت زمان قرارداد، نحوه‌ی همکاری طرف ایرانی و خارجی و سایر شرایط قراردادی با نسل‌های قدیمی‌تر این نوع قرارداد دارای تفاوت‌هایی می‌باشد، اما از حیث ماهیت با بیع متقابل یکسان است. این نمونه‌ی قراردادی جدید هرچند با عقود معین در فقه امامیه مانند بیع، صلح، جعاله، مضاربه و سایر عقود دارای شباهت‌هایی است، اما در نهایت با هیچ‌کدام از آنان هماهنگی کامل نداشته و بر اساس حدیث «انما المومنون عند شروطهم» و آیه شریفه «ووفوا بالعقود» و نیز ماده‌ی ۱۰ ق.م. قابلیت توجیه فقهی و حقوقی را دارد. از حیث مالکیت منابع نفتی در این نوع از قراردادها، باید بین دو حالت قائل به تفکیک شد؛ هرگاه منابع نفتی در زیر زمین بوده و هنوز استخراج نشده باشد، مالکیت آن متعلق به عموم مردم است (نظریه‌ی دخول منابع نفتی تحت عنوان مشترکات عامه) و هرگاه منابع نفتی موضوع قرارداد استخراج گردد، مالکیت آن متعلق به شرکت ملی نفت ایران یا شرکت‌های تابعه‌ی آن به عنوان کارفرما می‌باشد که باید وجوه حاصله را به خزانه‌ی دولت واریز کند تا برطبق مصالح عامه مصرف گردد (نظریه‌ی انغال بودن منابع نفتی). لذا در این نوع از قراردادها طرف خارجی بر منابع نفتی در هیچ موردی، هیچ‌گونه مالکیتی پیدا نمی‌کند؛ او صرفاً حق دارد در صورت کشف میدان تجاری، هزینه‌های خود را از محل عواید (درآمد) نفت و گاز تولیدی مستهلک نماید (در قراردادهای اکتشافی) یا به ازای هر بشکه نفت یا هر هزار فوت مکعب گاز یا هر بشکه میعانات گازی اضافی، دستمزد مقرر (Fee) دریافت نماید (در قراردادهای افزایش ضریب بازیافت و قراردادهای توسعه‌ای)؛ پس آیه‌ی نفی سبیل در این قراردادها کاملاً مرعاست.

واژه‌گان کلیدی: بیع متقابل، IPC، ماهیت قرارداد، مالکیت منابع نفتی.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: شناخت اجمالی انواع قراردادهای نفتی و تبیین جایگاه IPC در میان آن‌ها.....	۶
گفتار اول: مفهوم قراردادهای بالادستی و اقسام آن.....	۹
بند اول : ترتیبات امتیازی.....	۱۲
۱ - قراردادهای امتیازی نسل قدیم.....	۱۵
۲ - قراردادهای امتیازی نسل جدید.....	۱۷
۳ - مجوز بهره‌برداری (لیسانس) یا اجازه.....	۱۹
بند دوم: قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری.....	۲۰
بند سوم: قرارداد مشارکت در تولید.....	۲۲
بند چهارم: قراردادهای خدمت.....	۲۴
گفتار دوم: قراردادهای پایین‌دستی.....	۲۸
بند اول: قراردادهای مشتمل بر فعالیت واحد.....	۲۹
بند دوم: قراردادهای مشتمل بر فعالیت‌های متعدد.....	۳۰
گفتار سوم: قراردادهای تجارت نفت خام و گاز طبیعی.....	۳۱
بند اول: قراردادهای تجارت نفت خام.....	۳۱
بند دوم: قراردادهای تجارت گاز طبیعی.....	۳۳
بند سوم: قرارداد سوآپ.....	۳۵
گفتار چهارم: تبیین جایگاه IPC در میان قراردادهای نفتی.....	۳۷

فصل دوم: شناخت ماهیت فقهی قرارداد IPC	۴۰
گفتار اول: شناخت اوصاف فقهی قراردادهای IPC	۴۱
بند اول: عقد بودن IPC	۴۱
بند دوم: لازم بودن IPC	۴۳
بند سوم: منجز بودن IPC	۵۲
بند چهارم: معوض بودن IPC	۵۳
بند پنجم: وجود عنصر خطر پذیری در قراردادهای IPC	۵۶
الف - خطر پذیری کامل توسط شرکت سرمایه‌گذار خارجی	۵۷
ب - خطر پذیری مشترک	۵۸
ج - قراردادهای نفت و گاز با خطر پذیری دولت میزبان	۵۹
گفتار دوم: مقایسه‌ی قرارداد IPC با عقود مقرر در فقه امامیه	۶۱
بند اول: مقایسه‌ی عقد بیع و قرارداد IPC	۶۱
بند دوم: مقایسه‌ی عقد معاوضه و قرارداد IPC	۶۵
بند سوم: مقایسه‌ی عقد شرکت و قرارداد IPC	۶۶
بند چهارم: مقایسه‌ی عقد جعاله و قرارداد IPC	۶۷
بند پنجم: مقایسه‌ی عقد مضاربه و قرارداد IPC	۷۰
بند ششم: مقایسه‌ی قرارداد اجاره به شرط تملیک و قرارداد IPC	۷۱
بند هفتم: مقایسه‌ی عقد صلح و قرارداد IPC	۷۲
گفتار سوم: تحلیل نهایی ماهیت فقهی قرارداد IPC	۷۳
فصل سوم: تحلیل فقهی مالکیت منابع نفتی در قرارداد IPC	۷۷
گفتار اول: شناخت اوصاف مالکیت و تعریف آن	۷۹

گفتاردوم: معدن ومالكيت آن در فقه اماميه.....	۸۳
بنداول: تعريف معدن وانواع آن از نظر فقهائى اماميه.....	۸۳
الف: تعريف معدن.....	۸۳
۱ - تعريف معدن در كتب لغت.....	۸۳
۲ - تعريف معدن در لسان فقهائى اماميه.....	۸۵
ب: انواع معدن از نظر فقهائى اماميه.....	۸۶
۱- معادن ظاهري.....	۸۶
۲ - معادن باطنى.....	۸۷
ج: نفت، يك معدن باطنى.....	۸۷
بنددوم: مالكيت معادن نفت از ديدگاه فقهائى اماميه.....	۸۹
الف : تفكيك ميان معادن ظاهري و معادن باطنى در مالكيت.....	۸۹
ب: تبعيت معدن از زمين در موضوع مالكيت.....	۹۲
ج: دخول معدن به طور مطلق تحت عنوان «مشاركات عامه و مباحات».....	۹۴
د: دخول معدن به طور مطلق تحت عنوان «انفال».....	۹۵
گفتار سوم: تطبيق مالكيت منابع نفتى در قرارداد IPC با فقه وقانون اساسى.....	۹۹
نتيجه گيرى.....	۱۰۴
فهرست منابع وماخذ.....	۱۰۵

مقدمه

الف) بیان مسئله

آنچه که ما در این تحقیق در پی نیل به آن هستیم، این است که قراردادهای جدید نفتی ایران موسوم به IPC از دیدگاه فقهی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یکی از وعده‌های دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲، طراحی الگوهایی جدید برای قراردادهای نفتی با هدف جذب سرمایه- گذاری خارجی به صنعت نفت و گاز کشور بود. نهایتاً این الگو در وزارت نفت تدوین شد و به تصویب هیأت وزیران رسید. پس از تصویب این الگوی قراردادی، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی در مورد آن بحث‌های فراوانی صورت گرفت تا این‌که چند بار وزیر نفت به خاطر همین الگوی قراردادی در مجلس شورای اسلامی مورد سؤال نمایندگان قرار گرفت و مصوبه نیز سه بار اصلاح شد. سرانجام در مرداد ماه سال ۱۳۹۵، مصوبه‌ی هیأت وزیران توسط ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی نسخ گردید و نسخه‌ی اصلاحی آن توسط این ستاد تدوین و ابلاغ شد. آن‌چه در تحقیق پیش رو ملاک قضاوت بوده است، همین مصوبه‌ی ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی می‌باشد. شایان ذکر است که رئیس مجلس شورای اسلامی در اجرای اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که این مصوبه با قانون اساسی و سایر قوانین تطابق و هماهنگی دارد.

در این پژوهش سعی شده است که به چند سؤال پاسخ داده شود؛ اولاً سعی شده است که ضمن شناخت اجمالی انواع قراردادهای نفتی، تبیین گردد که قراردادهای جدید نفتی ایران در کدام دسته از قراردادها جای می‌گیرد. لازم به ذکر است که تا جواب این سؤال مشخص نگردد، بررسی فقهی این الگوی جدید قراردادی بسیار مشکل می‌باشد.

ثانیاً تلاش شده است که ماهیت این الگوی قراردادی بر اساس فقه امامیه مورد مذاقه قرار گیرد تا مشخص شود که بر چه مبنای فقهی می‌توان ماهیت آن را توجیه نمود و اصولاً با کدام یک از عقود معین در فقه امامیه قابل تطبیق می‌باشد. ثالثاً تلاش گردیده است که ضمن تبیین مالکیت منابع نفتی در این الگوی قراردادی، مشخص شود که در این الگو، کدام یک از نظرات فقهی در مورد مالکیت معادن مورد پیروی و متابعت قرار گرفته است. در این نوشتار سعی بر آن است که به این سوالات و سایر سوالات فقهی مرتبط پاسخی موجه و قابل قبول بر اساس فقه امامیه به عنوان مذهب رسمی کشور داده شود.

ب) سؤالات پژوهش

سوال اصلی

بادر نظر گرفتن مصوبه‌ی ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، ماهیت قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC) با کدام یک از عقود مقرر در فقه امامیه قابل تطبیق می‌باشد؟

سؤالات فرعی

۱ - در قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)، مالکیت منابع نفت و گاز درجا با کدام یک از نظریات مطرح شده در فقه امامیه قابل تطبیق می‌باشد؟

۲ - در قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)، مالکیت نفت و گاز تولید شده در نتیجه‌ی قرارداد مذکور، با کدام یک از نظرات مطرح شده در فقه امامیه قابل تطبیق می‌باشد؟

۳ - در قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)، طرف خارجی از حیث فقهی بر نفت و گاز تولیدی چه حقی پیدا می‌کند؟

۴ - قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)، با کدام یک از انواع قراردادهای شناخته شده‌ی نفتی قابل تطبیق می‌باشد؟

ج) فرضیه‌های پژوهش

با مطالعات اولیه در زمینه‌ی موضوع پایان نامه، نگارنده چندین فرضیه را تصویر نموده است:

۱ - با در نظر گرفتن مصوبه‌ی ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC) ماهیتاً بر اساس آیه شریفه‌ی «أوفوا بالعقود» و حدیث «انما المومنون عند شروطهم» و ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی قابل توجیه می‌باشد.

۲ - در قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)، مالکیت منابع نفت و گاز درجا با نظریه‌ی «مشتrek عمومی بودن معادن» در فقه قابل توجیه می‌باشد.

۳ - در قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)، مالکیت نفت و گاز تولید شده در نتیجه‌ی قرارداد مذکور، با نظریه‌ی «انفال بودن معادن» در فقه قابل توجیه می‌باشد.

۴ - در قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)، طرف خارجی از حیث فقهی بر نفت و گاز تولیدی برای دریافت حق الزحمه‌ی خود و مستهلک نمودن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، یک نوع حق دینی به دست می‌آورد.

۵ - قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)، از نوع قراردادهای خدمت بوده و در زمره‌ی قراردادهای بیع متقابل و نسل جدیدی از آن می‌باشد.

د) پیشینه‌ی پژوهش

در مورد قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت و گاز (که قراردادهای جدید نفتی ایران، نسل چهارم آن محسوب می‌گردد) و ماهیت فقهی و حقوقی آن تا به حال تحقیقات متعددی صورت گرفته است. برای مثال می‌توان به مقاله‌ی بابک درویشی و روح‌الله فیاضی با عنوان «**تحلیل فقهی-حقوقی قرارداد بیع متقابل**» اشاره کرد که در آن نگارندگان ضمن مقایسه‌ی قرارداد بیع متقابل با انواع عقود معین مقرر در فقه امامیه، نهایتاً چنین استدلال می‌نمایند که ماهیت قرارداد بیع متقابل با هیچ یک از عقود معین مقرر

در فقه امامیه هماهنگی و تطابق کامل نداشته و بر اساس اصل آزادی قراردادی که مبنای فقهی آن آیهی شریفه‌ی «اوفوا بالعقود» می‌باشد، قابل توجیه می‌باشد. همچنین در مورد مالکیت منابع نفت و گاز درجا در فقه امامیه تحقیقاتی صورت گرفته است. برای مثال عبدالرحیم مرادی و مسعود رنجبر در مقاله‌ای تحت عنوان «مالکیت منابع نفت و گاز درجا و بهره‌برداری از آن در فقه اسلام»، مالکیت منابع نفت از دیدگاه فقه‌های امامیه را تشریح نموده‌اند.

اما مشخصاً در مورد ماهیت فقهی قراردادهای جدید نفتی ایران موسوم به قراردادهای IPC و مالکیت منابع نفتی در آن با توجه به فقه امامیه، تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته است. دلیل این امر به احتمال قریب به یقین، جدید بودن این نوع از قراردادها باشد. به دلایل فوق‌الذکر باید گفت که هرچند در مورد مقدمات این موضوع یعنی ماهیت فقهی قرارداد بیع متقابل و مالکیت منابع نفت و گاز در فقه امامیه تحقیقات بسیاری صورت گرفته است، اما در مورد ماهیت فقهی قراردادهای جدید نفتی ایران و مالکیت منابع نفتی از دیدگاه فقهی در این قراردادها تا به حال تحقیقی صورت نگرفته و همین امر اهمیت نوشته‌ی پیش رو را تا حدود بسیاری روشن می‌سازد.

ه) روش تحقیق

دراین تحقیق، روش کتابخانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. به این معنا که اطلاعات لازم در مورد موضوعات مدنظر از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و دیگر آثار مکتوب که در کتابخانه‌ها یا پایگاه‌های اینترنتی وجود دارند، گردآوری و مورد تعریف، تحلیل و استنتاج واقع گشته‌اند.

و) ساختار کلی پژوهش

در پژوهش پیش رو، مطالب به سه فصل جداگانه تقسیم گردیده است. در فصل اول طی چهار گفتار مطالب پیگیری شده است. در گفتار اول انواع قراردادهای بالادستی صنعت نفت، در گفتار دوم انواع قراردادهای پایین دستی صنعت نفت و در گفتار سوم قراردادهای تجارت نفت مورد مطالعه قرار گرفته است. دلیل بررسی انواع قراردادهای نفتی در این پژوهش آن است که برای ورود به بحث فقهی در مورد قراردادهای جدید نفتی ایران باید ابتداء از انواع قراردادهای نفتی و ماهیت و ویژگی‌های آنان آگاهی یافت تا بتوان از تحقیقات سابق در این پژوهش بهره گرفت و به همین دلیل است که در گفتار چهارم این فصل، جایگاه قراردادهای جدید نفتی ایران در میان انواع قراردادهای نفتی تبیین شده است. در واقع فصل اول به مثابه‌ی مقدمه‌ای برای ورود به بحث است و تا این فصل مطالعه نگردد و از جایگاه قراردادهای جدید نفتی ایران در میان انواع قراردادهای نفتی اطلاع حاصل نشود، شناخت فقهی آن بسیار مشکل خواهد شد.

در فصل دوم ماهیت فقهی قراردادهای جدید نفتی ایران مورد مطالعه قرار می‌گیرد. براین اساس، در گفتار اول اوصاف فقهی قراردادهای جدید نفتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گفتار دوم طی هشت بند جداگانه، قراردادهای جدید نفتی ایران با عقود معین در فقه امامیه مقایسه می‌شود تا ماهیت فقهی آن هرچه بیش‌تر روشن گردد و نهایتاً در گفتار سوم این فصل، نظر نهایی در مورد ماهیت فقهی این دسته از قراردادهای نفتی ارائه می‌شود.

در فصل سوم مالکیت منابع نفتی در قراردادهای IPC از دیدگاه فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل، طی گفتار اول مفهوم فقهی و حقوقی مالکیت تبیین می‌گردد. سپس در گفتار دوم مفهوم لغوی و فقهی معدن و انواع معادن از دیدگاه فقهای امامیه و جایگاه معادن نفت و گاز در این میان و نظریات مطرح شده در فقه امامیه راجع به مالکیت معادن مورد تدقیق قرار می‌گیرد. نهایتاً در گفتار سوم سعی می‌شود تا در قراردادهای جدید نفتی ایران کندوکاو شده و مشخص گردد که کدام یک از نظریات مطرح شده در فقه امامیه در مورد مالکیت معادن مورد نظر قراردادهای جدید نفتی ایران بوده است. شایان ذکر است که در ضمن این تحقیق سعی شده است تا به تناسب موضوع، کارکرد قواعد فقهی مانند قاعده‌ی نفی سیل در این دسته از قراردادهای نفتی تبیین گردد.

فصل اول:

شناخت اجمالی انواع قراردادهای نفتی و تبیین جایگاه IPC در میان آنها

صنعت نفت در دنیا یک صنعت بسیار گسترده، پیچیده و چند وجهی است. شرکت‌های نفت و گاز در سراسر دنیا روزانه هزاران قرارداد منعقد می‌کنند. برخی از این قراردادها متضمن مبالغ هنگفت، ریسک‌های زیاد و مسئولیت‌های سنگین است. حسب نوع قرارداد، مذاکره قراردادهای نفت و گاز ممکن است که ماه‌ها و بلکه سال‌ها طول بکشد. بسیاری از قراردادهای نفتی امروزه به صورت تیپ و استاندارد درآمده، در بخش‌های گوناگون صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرند. تنها بخشی از این قراردادها مورد به مورد و بند به بند مذاکره می‌شوند. قراردادهای نفت و گاز به معنای اعم را می‌توان به سه دسته عمده تقسیم کرد: قراردادهای بالادستی، قراردادهای پایین‌دستی و قراردادهای تجارت نفت و گاز (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۵).

براساس بند ۳ ماده‌ی ۴ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰/۳/۲۲، یکی از وظایف و اختیارات هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی « بررسی و ارزیابی متن، حجم مالی، تعهدات، مقدار محصول و زمان اجرای قراردادهای مهم نفت و گاز در جهت صیانت از عواید حاصل از انفال عمومی در حوزه نفت و گاز و امکان اجرای قرارداد» می‌باشد. با توجه به این بند بسیار مهم باید اذعان کرد که شناخت وظایف و اختیارات هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی بدون شناخت دقیق انواع قراردادهای نفت و گاز و درک نسبتاً جامع و مانعی از آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

در مورد این بند آن‌چه جای تدقیق و بحث فراوان دارد این است که اصولاً منظور قانون‌گذار از مفهوم « قراردادهای مهم نفت و گاز» کدام یک از انواع قراردادهای نفت و گاز می‌باشد. لذا تمام مباحث این فصل و شاید تا حدود بسیاری اکثر مباحث این تحقیق برای نیل به پاسخ این پرسش است و بدیهی است که نیل به این مقصود جز با شناخت مقدمات آن مانند انواع قراردادهای نفت و گاز و اصول و مقتضیات حاکم بر آنان ممکن نیست.

با توجه به آن چه در فوق گفته شد، در این فصل با تفصیل بیشتر انواع قراردادهای نفت و گاز مورد بحث قرار می‌گیرد. قبل از هر چیز باید گفت که هرچند اصطلاح « قراردادهای نفتی » معمولاً ناظر به قراردادهای بالادستی معینی است که بین شرکت ملی نفت یا کارفرما از یک طرف و شرکت‌های نفتی بین‌المللی یا پیمانکاران از طرف دیگر برای انجام عملیات بالادستی از قبیل اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری منعقد می‌گردد، به تاسی از بند ۱۶ ماده‌ی ۱ قانون اصلاح قانون نفت که قرارداد نفت و گاز را در معنای عام تعریف کرده است، و برای بیان انواع قراردادهای متنوعی که در صنعت نفت و گاز مورد استفاده قرار می‌گیرد، قراردادهای نفتی در این فصل در معنای عام مدنظر قرار گرفته است.

در این فصل این قراردادها اجمالاً مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص گردد که قراردادهای IPC^۱ در کدام دسته از قراردادهای نفتی قرار می‌گیرند و از این رهگذر زمینه‌ی تطبیق این نمونه‌ی قراردادی با عقود مقرر در فقه امامیه و تحلیل وضعیت مالکیت در آن فراهم گردد. شایان ذکر است که این فصل نقش مقدمه را دارد و بدون مطالعه‌ی آن امکان استفاده از تحقیقات قبلی بسیار دشوار است.

^۱ - Iranian Petroleum Contract(IPC)

گفتار اول : مفهوم قراردادهای بالادستی و اقسام آن

هر کشوری متناسب با شرایط فنی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی خود و در چهارچوب قوانین و مقررات موجود برای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز خود ترتیباتی را در پیش می‌گیرد. یکی از این ترتیبات این است که با احداث شرکت ملی نفت انجام تمام فعالیت‌های بالادستی به طور انحصاری توسط این شرکت انجام گیرد. بعضی از نویسندگان بر این باور هستند که ملی شدن صنعت نفت در ایران و تشکیل شرکت ملی نفت ایران در این جهت بوده که این شرکت بتواند به طور انحصاری فعالیت‌های بالادستی را انجام دهد (شیروی، همان، ص ۳۵۶). بدیهی است که در این حالت نیازی به انعقاد قراردادهای بالادستی اصلی که یک طرف آن شرکت ملی نفت و یک طرف آن شرکت نفتی بین‌المللی است، وجود ندارد. در این حالت دولت صاحب منابع نفتی خود مدیریت استخراج و تولید منابع نفت و گاز را بدون نیاز به شرکت نفتی بین‌المللی انجام می‌دهد که می‌توان از شرکت ملی نفت عربستان تحت عنوان سعودی آرامکو^۲ و شرکت ملی نفت مکزیک^۳ نام برد.

بند ۴ ماده ۱ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰/۳/۲۲ در تعریف مفهوم «عملیات بالادستی» چنین مقرر می‌دارد که «عملیات بالا دستی نفت کلیه‌ی مطالعات، فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به اکتشاف، حفاری، استخراج، بهره‌برداری و صیانت از منابع نفتی، انتقال، ذخیره‌سازی و صادرات آن مانند پی‌جویی، نقشه‌برداری، زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، ژئوشیمی، حفر و خدمات فنی چاه‌ها، تزریق گاز، آب، هوا، و یا هر فعالیتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری از منابع نفتی گردد و نیز احداث و توسعه‌ی تاسیسات و صنایع وابسته، تحدید حدود، حفاظت و حراست آن‌ها برای عملیات تولید و قابل عرضه کردن نفت در حد جداسازی اولیه، صادرات، استفاده و یا عرضه برای عملیات پایین دستی را شامل می‌شود.

مواردی نظیر مدیریت و نظارت بر تامین کالاها و مواد صنعتی، آموزش و تامین نیروی انسانی، ایجاد و حفظ شرایط ایمنی، بهداشت و محیط زیست و انجام کلیه‌ی فعالیت‌های لازم جهت ایجاد، ارتقاء و انتقال فناوری برای پشتیبانی عملیات فوق جزء عملیات بالادستی محسوب می‌شود».

^۲-Saudi Aramco

^۳-Mexico's Pendex

باید گفت از آن جا که عملیات بالادستی از اکتشاف شروع شده و نهایتاً به تولید منجر می‌شود، این فعالیت‌ها به «اکتشاف و تولید»^۴ معروف شده‌اند. فعالیت‌های بالا دستی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: اکتشاف، توسعه و تولید. اکتشاف به طور عام شامل مراحل ارزیابی^۵ و توصیف^۶ میدان نیز می‌شود.

بعضی از مواقع در قانون یا در قرارداد برخی از فعالیت‌های پایین‌دستی همراه با فعالیت‌های بالادستی در تعهد طرف قرارداد قرار می‌گیرد. در این صورت ممکن است که کل این فعالیت‌ها، عملیات بالادستی تلقی شود. این روش در قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰/۳/۲۲ اتخاذ شده است زیرا با اینکه فعالیت‌های انتقال یا ذخیره‌سازی جزء عملیات پایین‌دستی است، چون همراه با عملیات بالادستی در تعهد طرف دیگر قرارداد درج می‌شود، از باب تبعی به آن‌ها نیز عملیات بالادستی گفته می‌شود (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۳۴).

عملیات بالا دستی شامل فعالیت‌های گوناگونی از قبیل اکتشاف، ارزیابی، توسعه، بهره‌برداری، افزایش تولید و بهبود تولید می‌گردد. در انجام عملیات بالادستی چهارگروه از قراردادهای مطرح می‌گردد (شیروی، همان).

در سطح اول قراردادهای اصلی وجود دارد که بین شرکت ملی نفت (کارفرما) و شرکت نفتی بین-المللی (پیمانکار) برای اکتشاف، توسعه و یا بهره‌برداری منعقد می‌گردد. در سطح دوم قراردادهای مشارکت و یا قراردادهای اجرایی مشترک وجود دارد که بین خود شرکت‌های نفتی بین‌المللی منعقد می‌شود که آن‌ها بتوانند به عنوان یک واحد طرف قرارداد سطح اول شوند یا بتوانند پروژه‌ی موضوع قرارداد سطح اول را اجرا کنند. در سطح سوم قراردادهایی مطرح است که شرکت نفتی بین‌المللی برای تامین منابع مالی مورد نیاز پروژه‌ی موضوع قرارداد سطح اول با موسسات مالی و اعتباری و یا شرکت‌ها منعقد می‌کند. در سطح چهارم قراردادهایی مطرح است که شرکت نفتی بین‌المللی با پیمانکاران فرعی منعقد می‌کند (همان).

4 -exploration and production(E&P)

5 - appraisal

6 -delineation